



ظرفیت شرکتهای فراملی در بهبود اقتصاد و روابط بین‌المللی کشورها مطابق اصول حقوق بشری



مینا قدرتی‌راد* - دکتر علی پورقصاب امیری*** - دکتر احمدرضا بهنیاfer****

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

این مقاله به نقش شرکتهای فراملی در توسعه اقتصادی و بهبود روابط بین‌المللی کشورها بر اساس حقوق بشر می‌پردازد. امروزه، افزایش نقش شرکتهای فراملی و قدرت اقتصادی آنها باعث شده است که این شرکتها فعالیت‌های خود را در سراسر جهان گسترش دهند و به یکی از مهمترین نگرانی‌ها در سطح ملی و بین‌المللی تبدیل شوند. در سال‌های اخیر، جهان شاهد نوع جدید و رو به رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ناشی از کشورهای در حال توسعه بوده است. با ورود به عرصه بین‌الملل، فعالیت شرکتهای فراملی لزوماً به توسعه در جهان، به ویژه کشورهای در حال توسعه منجر نمی‌شود، اما روابط آنها با کشورهای پیشرفته و تاثیر تعامل آنها با شرکتهای فراملی، زمینه را برای روند توسعه در چنین کشورهایی فراهم می‌سازد. با توجه به این ویژگی‌ها و ضمن تبیین این مفاهیم، این سوال اساسی مطرح می‌شود که تاثیر فعالیت شرکتهای فراملی در جهت بهبود روابط بین‌الملل و توسعه اقتصادی کشورها چیست و چه چالش‌هایی پیش رو دارد؟ در این مقاله، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، نقش شرکتهای فراملی در پیشبرد توسعه اقتصادی و حقوقی در روابط دوجانبه و چندجانبه بین کشورها و تأثیرات آن در کشورهای در حال توسعه با توجه به استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر بررسی می‌شود. هدف این مقاله درک موقعیت بنیادی شرکتهای فراملی در سطح ملی و بین‌المللی و بررسی تأثیرات آنها است.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری مینا قدرتی‌راد، با عنوان «جایگاه شرکت‌های فراملی در نظام حقوقی و برنامه توسعه ششم جمهوری اسلامی ایران» است.

** دانشجوی دکتری گروه حقوق عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

*** نویسنده مسئول، گروه حقوق بین‌الملل، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران، ایمیل:

aliamiri@damghaniau.ac.ir

**** گروه الهیات و معارف، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

به نظر میرسد کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به جدیدترین فن آوری ها و بهبود وضعیت اقتصادی، نیاز به تعامل با شرکت‌های فراملی دارند. برخی معتقدند که بدون این ارتباط، نمیتوان به روند توسعه و جهانی سازی در این کشورها امیدوار بود.

کلیدواژگان

شرکت‌های فراملی، توسعه اقتصادی، حقوق بشر، جهانی سازی، سرمایه گذاری خارجی

مقدمه

شرکت‌های فراملی^۱ به شرکت‌هایی گفته می‌شود که به گسترش فعالیت خود در سراسر جهان پرداخته و با سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه، شرکت فرعی تاسیس می‌نمایند. برخی از نظریه پردازان میان مفهوم شرکت‌های فراملی و شرکت‌های چندملیتی^۲، تمایز قائل شده اند. شرکت‌های چندملیتی در چندین کشور فعالیت می‌کنند، بدون آن که نقطه تمرکز فعالیت آنها در یک کشور باشد اما شرکت‌های فراملی عمدتاً در یک کشور فعالیت دارند. در این میان، کنفرانس تجارب و توسعه سازمان ملل متحد (آنکتاد)^۳، نام شرکت فراملی را به جای شرکت چندملیتی برگزید. با توجه به اینکه امروزه تقریباً مرزها از میان رفته و به سمت یک دهکده جهانی^۴ پیش می‌رویم، فعالیت در این شرکت‌های جهانی و در بازارهای بین‌المللی به نفع جوامع می‌باشد. البته این شراکت نباید به گونه‌ایی باشد که کشور فوق، تنها تأمین کننده منابع باشد و نفعی که از این شراکت به دست می‌آورد در برابر منابعی که از دست می‌دهد ناچیز باشد. اتفاقی که در دهه های قبل در بسیاری از کشورهای جهان سوم اتفاق افتاد» (Larison, et.al., 1993: 251). این شرکت‌ها طی این مدت، به نحوی عمل کردند که به ندرت می‌توان کشوری را یافت که به نوعی در معرض نفوذ و تحت تاثیر آنها قرار نگرفته باشد. به گونه‌ای که، عملکرد این شرکت‌ها با ابعاد مختلف زندگی کشورهای در حال توسعه آنچنان درهم آمیخته است که شناخت و بررسی اوضاع این کشورها بدون توجه به نقش شرکت‌های فوق، امری محال به نظر می‌رسد. علاقه‌مندی شرکت‌های فراملی به سرمایه گذاری در این کشورها سبب شد که کشورهای در حال توسعه، با اتخاذ تدابیری درصدد جلب سرمایه گذاری و رشد در کشور خود باشند. با توجه به موارد ذکر شده، شیوه کار و بازتاب فعالیت شرکت‌های فراملی مورد توجه قرار می‌گیرد و به تحلیل و

^۱. Transnational corporations

^۲. Multinational Corporation

^۳. UNCTAD: United Nations Conference on Trade and Development, 1964.

^۴. Global Village

بررسی نتایج حاصل، عملکرد آن در میزان توسعه یافتگی دیگر کشورها و جایگاهی که می‌تواند در جهانی شدن روابط کشورها داشته باشد، پرداخته می‌شود.

بنابر تعریف سازمان همکاری اقتصاد و توسعه، شرکت‌های فراملی، شرکت‌هایی هستند که در بیش از یک کشور مستقر شده باشند و برخی فعالیت‌های تولیدی خود را در خارج از کشور مبدأ انجام دهند اما به به نحوی با یکدیگر مرتبط شده اند که فعالیت‌های تولیدی آنها با هدف مشترک سود بیشتر است. «شرکت‌های چندملیتی به دلیل دارا بودن ویژگی‌های خاص، نقشی حیاتی در توسعه بین‌المللی ایفا می‌کنند. توسعه، فرآیندی است که مستلزم تغییرات اساسی در باورهای عامه مردم، ساختار اجتماعی و نهادهای ملی می‌باشد و با کاهش نابرابری‌ها و فقرزدایی می‌توان به این هدف مهم رسید. بنابراین دست یافتن به توسعه سبب می‌شود که یک جامعه از رشد علمی، فرهنگی، سیاسی، ابزار تولید، فنون، اشتغال و رفاه بیشتر برخوردار شود» (5_3: Teymouri, F, 2013).

این شرکت‌ها اغلب بر تولیداتی با درآمد بالا تأکید می‌کنند و از تکنیک‌های مدرن بازاریابی کمک می‌گیرند و معمولاً به صنایع انحصاری خاصی تسلط دارند که در آن، اهمیت بازاریابی و فناوری دیده می‌شود. محصولات شرکت‌های فراملی معمولاً جدید، پیشرفته و مورد توجه مشتریان هستند. فعالیت شرکت‌های فراملی، علاوه بر توسعه اقتصادی و کسب سود بیشتر، سبب افزایش ارتباطات بین‌المللی می‌شود در نتیجه نیازمند رعایت الزامات حقوق بشری تحت رفتارهای اخلاقی می‌باشد. با توجه به این خصوصیات و ضمن تبیین این مفاهیم، این پرسش کلیدی مطرح می‌شود که فعالیت شرکت‌های فراملی در راستای بهبود روابط بین‌الملل و توسعه اقتصادی کشورها چه اثراتی داشته و چالش‌های پیش‌رو چیست؟ فرضیه کلیدی این است که کشورهای درحال توسعه برای دستیابی به فناوری‌های روز دنیا و با هدف بهبود وضعیت اقتصادی کشور، به برقراری ارتباط با شرکت‌های فراملی مبادرت می‌ورزند که وجود این ارتباط می‌تواند موجب بهبود روابط بین‌الملل و توسعه اقتصادی کشورها و در پی آن، منجر به رعایت الزامات حقوق بشری خواهد شد. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی جایگاه شرکت‌های فراملی در میزان توسعه اقتصادی و حقوقی در روابط کشورها و اثرات آن در کشورهای در حال توسعه، طبق الزامات حقوق بشری بررسی می‌شود و هدف مقاله فهم جایگاه بنیادین شرکت‌های فراملی در سطح ملی و بین‌المللی و بررسی آثار آن است.

۱- پیشینه پژوهش

محمد صالحی مازندرانی و حانیه ذاکری نیا در مقاله‌ای تحت عنوان «شخصیت حقوقی شرکت‌های چند ملیتی و آثار آن»، به تعریف شرکت‌های چندملیتی بر مبنای شعب فرعی این شرکت‌ها پرداخته است بنابراین معتقد است که شرکت فراملی دارای یک شعبه اصلی است که

تابعیت کشور محل ثبت خود را دارد و دارای شعب فرعی می‌باشد که هر کدام، تابعیت کشور محل ثبت خود را خواهند داشت (Salehi Mazandarani and Zakernia, 2013: 145).

رضا میرزاخانی در مقاله «بررسی فقهی اوراق مباحه مبتنی بر سهام برای تامین مالی شرکت‌های هلدینگ» به میزان مالکیت و نحوه کنترل شرکت‌های فرعی پرداخته شده است، در این مقاله بیان شده که شرکت اصلی دارای بیشترین میزان سهم است و از همین طریق می‌تواند فعالیت شرکت‌های عضو را کنترل نماید و میزان مالکیت هر یک از این شرکت‌ها بررسی شده است (Mirzakhani, 2015:10).

نقی زهی و علیرضا علی پور در مقاله‌ای با عنوان « سرمایه‌گذاری و روش‌های تامین منابع مالی خارجی» به نظرات و تصمیمات کشورهای مختلف از گذشته تا امروز پرداخته است و بیان می‌کند در گذشته، کشورها علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری خارجی توسط شرکت‌های چندملیتی نداشتند و عقیده داشتند که فعالیت این شرکت‌ها، وابستگی اقتصادی و به خطر افتادن منابع کشور میزبان را در پی دارد و استقلال آنها نقض می‌شود. اما در سال‌های اخیر بدلیل نقش موثری که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند در توسعه و رشد اقتصادی کشورها ایجاد نماید، نگرش این کشورها تغییر یافته است (Zehi and Naghipoor, 2007: 230).

سید علی کیا در مقاله‌ای تحت عنوان «جایگاه شرکت‌های چندملیتی در تحولات اقتصادی آینده جهان» به بررسی اثر فعالیت شرکت‌های فراملی در حوزه اقتصادی در سطح بین‌الملل پرداخته است و آمار منتشر شده توسط سازمان ملل متحد در ارتباط با درآمد مالی این شرکت‌ها را بررسی نموده و به مقایسه سطح اقتصادی شرکت‌های فراملی مطرح در سطح بین‌الملل پرداخته است (Seyedalikia, 2015: 8).

مهدی ناصر، حسین صادقی و حمیده زرعی در مقاله‌ای تحت عنوان «چالش‌های اعطای وام‌های فاینسنگ: سیاست‌گذاری و راهکارهای بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و نظام حقوقی اتحادیه اروپا» به نمونه‌ای از روش‌های تامین منابع مالی آغاز به کار کسب و کارها در سطح بین‌المللی اشاره داشتند. «در حال حاضر از جمله مهمترین مسائل نظام مالی موجود، تأمین منابع مالی برای راه اندازی استارت‌آپ‌ها و کسب و کارهای کوچک بنا به نیازهای مختلف می‌باشد» (Naser and Sadeghi, 2019: 1).

جلال‌الدین شیرجیان و افشین زرگر در مقاله «مکتب انگلیسی و جایگاه حقوق بین‌الملل در جامعه بین‌المللی» بیان کردند که حقوق بین‌الملل در نگاه رایج متأثر از نظریه واقع‌گرایی، صرفاً یک ابزار مدرن است که در تسلط و خدمت قدرت‌های بزرگ قرار گرفته تا دستیابی به اهداف آنان را به شکل قانونی جلوه نماید و تنها تا زمانی که برای منافع ملی سودآور باشد مورد احترام و توجه قرار می‌گیرد (Shirjian and Zargar, 2020: 1).

رها لوسین زهادی در مقاله‌ای با عنوان «تاملی بر موضوع تکالیف حقوق بشری شرکت‌های فراملی و حقوق بشر بین‌المللی» در زمینه دلایل عدم تضمین حقوق بشر در برابر شرکت‌های فراملی اشاره دارد که دلایل عدم تضمین حقوق بشر در برابر شرکت‌های فراملی در سطح بین‌المللی به ویژه در حقوق بشر عمدتاً ناشی از دو عامل است: نخست اینکه از جنبه تاریخی کارکرد اصلی حقوق بشر بین‌الملل، محدود کردن قدرت دولت و نه شرکت‌های فراملی در برابر افراد است و این دولت است که متعهد به تضمین حق‌ها است. حقوق بشر بین‌الملل، دولت‌ها را به طور غیر مستقیم مسئول نقض حقوق بشر از سوی شرکت‌های فراملی می‌شناسد. دوم اینکه حقوق حاکم بر فعالیت‌های شرکت‌های خصوصی و شرکت‌های فراملی مشمول قانون داخلی کشور میزبان این شرکت‌ها است (Losin Zahadi, 2006: 1).

مهدی ذاکریان در کتاب «همه حقوق بشر برای همه» به طور کامل به موضوع حقوق بشر پرداخته است. ایشان اشاره داشتند که کرامت بشری ارزشی جهان شمول است، اما حقوق بشر ریشه در غرب دارد و مستلزم رژیم لیبرال برای به وجود آمدن است. حقوق بشر برابر و هم اندازه با کرامت بشری نیست، بلکه بیش‌تر به معنی کمال حمایت از کرامت بشری است (Zakerian, 2013: 53).

همچنین آثار و کتب بسیاری در این زمینه وجود دارد که به بررسی این شرکت‌ها و نحوه فعالیت آنها پرداخته است. جنبه نوآوری در این پژوهش در این است که علاوه بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه در شرایط کنونی که در بعضی کشورها بسیار حائز اهمیت است، به بررسی پیامد فعالیت این شرکت‌ها پرداخته شده است که چه اثراتی در جهت بهبود روابط صلح آمیز بین‌المللی در پرتو رعایت الزامات و اصول اخلاقی و حقوق بشری خواهد داشت. در برخی موارد شاهد عدم وجود ضمانت اجرای معتبر در پی نقض قواعد حقوق بشری هستیم اما فعالیت این شرکت‌ها که اهداف اقتصادی دربر دارد و انگیزه قوی برای کشورها می‌باشد، میتواند باعث رعایت بسیاری از اصول اخلاقی حقوق بشر گردد.

۲- مبانی نظری

در ابتدا به بررسی کلی مفاهیم مشابه می‌پردازیم. شرکت بین‌المللی^۱، به شرکت‌هایی گفته می‌شود که محصولات خود را به دیگر کشورها صادر می‌کنند و در کشورهای خارجی شرکت فرعی تاسیس می‌کنند. شرکت‌های جهانی^۲ در سطح جهان فعالیت می‌کنند و گاهی با عنوان شرکت‌های بی‌دولت^۳ نام برده می‌شوند و بازار معاملاتی در جهان را متعلق به خود

^۱. International Company

^۲. Global Company

^۳. Stateless Companies

می‌پندارند (Rodriguez, 2001: 52). از شرکت‌های فراملی، انتقادات نظری بیشماری صورت گرفته اما در عمل، این شرکت‌ها به گسترش خود ادامه داده اند، به گونه‌ای که امروز به عنوان یکی از عوامل اصلی جهانی شدن به شمار می‌آیند (Tansey and Jackson, 1995: 240-242).
 به طور کلی میتوان محتوای شرکت‌های فراملی را کالاها و تجهیزات سرمایه‌ای، محصولات و فرآیندهای جدید و دانش و مهارت‌های مدیریتی بیان کرد (Zander, 1993: 193,215). «شرکت فراملی با گسترش فعالیت خود در سطح بین‌الملل و سرمایه‌گذاری با هدف استفاده از امکانات آنها در پروژه‌های صنعتی رو به رشد، در کشورهای متعدد، شرکت‌های فرعی را تأسیس می‌نمایند. بنابراین، در شرکت‌های فراملی، با یک شرکت اصلی که تابعیت کشور محل ثبت خود را دارا است و چندین شرکت فرعی، که هر کدام تابعیت کشور محل ثبت خود را خواهند داشت مواجه هستیم» (SalehiMazandarani and Zakerinia, 2013:145).
 باید اشاره داشت که برای آنچه عموماً شرکت‌های چند ملیتی نامیده می‌شوند، در سازمان ملل^۴ و سایر موسسات و سازمان‌های وابسته، اصطلاح شرکت‌های فراملی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Kamminga, 2000: 3-4). شرکت‌های فراملی دارای ماهیتی اقتصادی هستند که صرف نظر از ساختار حقوقی و شکل مدیریتی، در قلمرو حکومتی کشورهای مختلف قرار دارند. به عبارت دیگر، در صورتی که یک بنگاه دارای واحد صنعتی، تولیدی یا خدماتی خارج از کشور خود باشد یا آن واحد را کنترل نماید، شرکت فراملی شمرده می‌شود (Espinoza, 2014: 6).
 از مدت‌ها پیش در جهان میان ملل گوناگون، مبادلات بین‌المللی رواج داشته است و تجار با مسائل متنوع و محیط جدید مواجه می‌شدند. مانند وجود نظام‌های مختلف حکومتی، تنوع در فرهنگ و زبان‌های متعدد بوده است که همچنان در مبادلات بین‌المللی با آنها مواجه می‌شویم. تنوع کالاها و خدمات، افزایش انتظارات مصرف‌کنندگان، رقابت، کمبود امکانات و... باعث پدیدار شدن سازمان‌های جدیدی شده اند که نیاز به یک مدیریت جهانی را هرچه بیشتر توجیه می‌کند (Dardari, 1996: 25). گسترش شرکت‌های فراملی یکی از مناقشه‌انگیزترین پدیده‌های توسعه اقتصادی جهانی در قرن حاضر است (Lrison and Skidmore, 1993: 251). مشخصات اساسی یک شرکت فراملی در این است که می‌خواهد حداکثر سود را به شرکت مادر خود و نه به شرکت‌های تابعه خود برساند که می‌تواند منجر به زیان شعب فرعی گردد (Hejazi, 2012: 18).
 از شرکت مادر، با اسامی دیگری مانند شرکت تخصصی، شرکت هلدینگ^۱، شرکت اصلی، کنترل‌کننده، مالک و صاحب سهم نیز یاد می‌شود و تعاریف مختلفی در این زمینه ارائه شده است. «این شرکت با تصاحب سهام متعلق به شرکت‌ها و سازمان‌ها (به اجبار یا توافقی) شکل

^۱. United Nations

^۲. Holding company

می‌گیرند و کنترل این شرکت‌ها را عهده دار می‌شوند» (Mirzakhani, 2015: 10). در حقیقت می‌توان گفت که فعالیت اصلی شرکت مادر، خرید سهام قابل کنترل شرکت‌های دیگر می‌باشد (Rezaie, 2017:15).

برای کنترل یک شرکت روش‌های مختلفی وجود دارد اما مهم‌ترین مؤلفه، تملک سهام شرکت تابعه (بیش از ۵۰ درصد کل سهام) است. بنابراین از منظر قانون بازار، ملاک تشخیص شرکت مادر و تابعه، تملک میزان سهامی است که می‌تواند هیأت‌مدیره را انتخاب کند یا در آن به نحوی مؤثر باشد (Kaviani and Ghasemi, 2017: 260-27).

برای افزایش اثربخشی کنترل و مدیریت عملکرد سازمان‌های فراملی (اعم از شرکت مادر و شرکت فرعی) لازم است که به نکات ذیل توجه شود: تعیین هدف؛ زمانبندی مناسب برای هدف-ها و تقسیم آنها به بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت و تعیین سلسله مراتب اهداف؛ تعیین استانداردهایی قابل حصول و مبتنی بر واقعیت؛ جمع‌آوری اطلاعات از وضع کنونی و ارزیابی نحوه عملکرد آنها؛ مقایسه اطلاعات حاصل شده با استانداردهای مربوط با هدف تشخیص فاصله موجود بین اهداف و عملکردها؛ اجرای اصلاحات لازم پس از جمع‌آوری اطلاعات؛ تجدید نظر در برنامه دوره‌های زمانی بعدی (Mason, 2000: 12).

۳- نقش شرکت‌های فراملی در بهبود شرایط اقتصادی دولت‌ها و دیدگاه‌های متعارض با آن

با توجه به آمار منتشر شده توسط سازمان ملل متحد، درآمد بسیاری از این شرکت‌ها از نظر مالی بزرگتر از اقتصاد کل برخی کشورهای جهان هستند. بنابراین آمار نشریه فورچون^۱، در سال ۱۹۸۶ میزان فروش چهار شرکت آمریکایی و یک شرکت مستقر در اروپا هر یک بیش از ۵۰ میلیارد دلار بود. فروش جنرال موتورز^۲ نیز در سطح جهان به بیش از ۱۰۲ میلیارد دلار بالغ می‌گردید که بیش از تولید ناخالص داخلی هر یک از کشورهای اتریش، دانمارک، نیجریه، نروژ و ونزوئلا بود. در سال ۱۹۸۵، مجموع فروش ۵۰۰ شرکت صنعتی آمریکایی ۱۸۰۰ میلیارد دلار بود. در همان سال، تعداد ۱۹۵ شرکت صنعتی با فروش بیش از ۵ میلیارد دلار وجود داشتند، در حالی که طبق آمار بانک جهانی^۳، ۴۱ کشور از ۱۰۷ کشور رتبه بندی شده از تولید ناخالص داخلی کمتر از ۵ میلیارد دلار- یعنی کمتر از فروش آن شرکت‌ها- برخوردار بودند (Seyedalikia, 2015: 8). موسسات تجاری در کشورهای توسعه یافته ثبت می‌شوند، اما اغلب در کشورهای در حال توسعه

^۱ Fortune Magazine

^۲ General Motors

^۳ World Bank

که دارای ترتیبات نهادی ناقص یا ضعیفی هستند مشغول به فعالیت می‌باشند. (Weissbrodt and Kruger, 2013: 901-921)

هر آنچه درباره جهانی شدن مطرح می‌شود باعث تحولات اساسی و ساختاری در نقش دولت شده است. این تحول هم در بخشی از کشورهای در حال توسعه و نیز برخی کشورهای توسعه یافته رخ داده است (Axtaun and Liberal, 1996: 132). سرمایه‌گذاری خارجی از مدت‌ها قبل یکی از موضوعات قابل توجه در اقتصاد بین‌الملل بوده است. در گذشته، کشورها علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری خارجی توسط شرکت‌های فراملی نداشتند و عقیده داشتند که فعالیت این شرکت‌ها، وابستگی اقتصادی و به خطر افتادن منابع کشور میزبان را در پی دارد و استقلال آنها نقض می‌شود. اما حال بدلیل نقش موثری که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند در توسعه کشورها ایجاد نماید، نگرش این کشورها تغییر یافته است (Zehi and Naghipoor, 2007: 230).

به طور کلی میزان جذب تسهیلات خارجی در بازارهای مالی جهان، خود از نشانه‌های سطح استحکام اقتصادی و حقوقی کشور میزبان تلقی می‌گردد و استفاده از منابع مالی خارجی به تنهایی نشانگر ضعف اقتصادی محسوب نمی‌شود. موسسات مالی بین‌المللی و نشریات معتبر فراوانی در جهان وجود دارند، که به طور مداوم شرایط دیگر کشورها را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و از این طریق اعتباردهندگان را به امن‌ترین کشورها هدایت می‌نمایند (Ghasemi, 2007: 1).

با در نظر گرفتن تجربیات کشورهایی که با سایر کشورها توافق اقتصادی داشته‌اند، می‌توان دریافت که سرمایه‌گذاری‌های خارجی تنها هدف نیست و دستیابی به هدفی عالی‌تر مورد توجه است. نتیجه این سرمایه‌گذاری، زمینه‌ساز رشد بخش خصوصی و بین‌المللی شدن شرکت‌های داخلی بوده است. عدم وجود زمینه‌های مقتضی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دولت میزبان، از دیدگاه شرکت‌های خارجی، به عنوان دلیلی بر عدم سرمایه‌گذاری خارجی در کشور در حال توسعه می‌باشد. با این وجود، ایجاد چنین زمینه‌ای در کشور میزبان، کارکردی دوگانه دارد و پس از تحقق آن، موجب تقویت وضعیت اقتصادی داخلی نیز خواهد شد (Behkish, 2016: 293).

در این بین، دیدگاه‌های متعارضی در ارتباط با تاثیر فعالیت شرکت‌های فراملی در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. «گروه نخست، نظریات اقتصاددانان نئوکلاسیک^۱ می‌باشد. طبق این نظریه، اعتقاد بر این بود که ضمن جانبداری کامل از آزادی فعالیت‌های اقتصادی، محدود شدن دخالت دولت تبلیغ می‌شود. آنها معتقدند که مکانیسم بازار الزاما با رفاه اجتماعی و خیر عمومی جامعه همراه نیست، بلکه در برخی موارد با این اهداف متضاد می‌باشد، همچنین باید دلایل عدم توسعه یافتگی را در داخل همان کشورها جستجو کرد زیرا این دلایل در درون کشورهای جهان

^۱. Neoclassical Economists

سوم نهفته است. گروه دوم، اقتصاددانان رادیکال هستند که منتقد اساسی ساختار نظام سرمایه‌داری هستند و معتقدند که تجارب کشورهای پیشرفته را نمی‌توان یک الگوی واحد برای جهان سوم در نظر گرفت زیرا نظام اقتصادی سرمایه‌داری کنونی عادلانه نیست و در جهت استثمار جوامع توسعه نیافته پیش می‌رود. با این توصیف، کشورهای توسعه یافته و شرکت‌های فراملی، کمکی به رشد و توسعه کشورهای جهان سوم نخواهند داشت» (Paul Baran, 1980: 21).

۴- شخصیت حقوقی شرکت‌های فراملی و آثار مترتب بر آن

در وضعیت جهانی شدن و جهانی بودن^۱، هیچ گروه یا جامعه‌ای نمی‌تواند جدا از دیگران به حیات خود ادامه دهد (Beck, 2000: 10). جهانی شدن می‌تواند باعث نفع جوامع انسانی شود البته مستلزم آن است که اراده‌های جمعی برای مقابله با جنبه‌های منفی آن تلاش کنند (Held, 2003). ایجاد فرهنگ جهانی باعث ظهور هویت‌های مشترک بین ملت‌ها می‌شود (Hall, 1996: 302). «در پدیده‌ها و مناسبات فراملی، موجودیت‌ها، رویدادها یا وضعیت‌هایی وجود دارند که بیش از یک سیستم حقوقی-سیاسی را به خود مشغول می‌نماید» (Bekker, 2013: 2). از سوی دیگر، سنجش عدالت در سطح بین‌المللی بدون توجه به آثاری که در سطح توسعه باقی گذاشته است امکان‌پذیر نمی‌باشد (Muchlinski, 2006: 530-567). رفتار منصفانه نیازمند سبک رفتار خاصی از جانب دولت‌های میزبان در چارچوب حاکمیت قانون است (Schill, 2006: 12). «در نتیجه نظام‌های سیاسی در تلاش هستند که قواعد و نهادهای لازم را برای ارتقای سطح توسعه خلق نمایند» (Franck, 1995: 432).

در واقع، شرکت‌های فراملی دارای نهادهایی در سایر کشورها و چند مرکز تصمیم‌گیری می‌باشند که سیاست‌های منسجمی را دنبال می‌کنند و در این تشکیلات، نهادهای مذکور دارای پیوندهای مشترک مانند مالکیت هستند. این شرکت‌ها، نظارت و کنترل تولید را در بسیاری از کشورها تحت تسلط دارند. گروهی از حقوقدانان معتقدند که این شرکت‌ها هم پایه دولت‌ها، دارای شخصیت حقوقی^۲ هستند و می‌توانند واضع حقوق باشند و دلیل قابل استناد برای آنها، نظریه کثرت در حقوق بین‌الملل و نظام‌های حقوقی خودبسنده می‌باشد. تصمیم‌گیری در این زمینه، در تبیین قدرت قانون‌گذاری آنها و تابعیت این شرکت‌ها اثر دارد. امروزه حقوق بین‌الملل با چالش‌هایی در این زمینه مواجه است. (Ansari, 2016: 5) اگرچه از دیدگاه عوام شرکت‌های فراملی موجودیت واحدی دارند اما از دیدگاه حقوقی، به هم وابسته هستند در نتیجه شرکت‌های

¹. Globality

². Legal Personality

فرعی دارای شخصیت مستقل از شرکت مادر است. این شرکت‌ها تابع نظم حقوقی دولت میزبان هستند و تابعیت آن دولت را دارند (Blumberg, 2002: 495).

رهیافت جامعه بین‌الملل نیز همچون دیگر مکاتب فکری بشر کاملاً یکپارچه نیست. ریشه این تقسیم‌بندی در رهیافت جامعه بین‌الملل بر تاکید به یکی از دو اصل حاکمیت دولت و حقوق بشر باز می‌گردد. پیروان شاخه کثرت‌گرای این رهیافت بر اهمیت حاکمیت دولت‌ها تاکید دارند و بنابراین دولت‌ها معتقدند افراد تنها از حقوقی برخوردارند که توسط دولت‌ها به آنها اعطا شده است و بنابراین دولت‌ها حق مداخله در امور داخلی دیگر دولت‌ها با هدف حمایت از حقوق بشر را ندارند. در مقابل، پیروان شاخه همبستگی گرا بر اهمیت افراد به عنوان اعضای نهایی جامعه بین‌الملل تاکید دارند و معتقدند دولت‌ها از یک سری حقوق و در عین حال وظایفی برخوردارند که در موارد آلام بشری می‌توانند به نفع آنها در امور داخلی دیگر دولت‌ها مداخله کنند (Jackson and Sorensen, 2015: 221).

۴-۱- الزامات حقوق بشر در روابط دولت‌ها و شرکت‌های فراملی

به نظر بسیاری از اندیشمندان، حقوق بشر تنها مجموعه‌ای از قواعد حقوقی ایجاد شده بر اساس توافق نیست، بلکه اصول اخلاقی وجود دارد و آنان برای حقوق بشر مبنایی اخلاقی قائل هستند (Jose G SISON, 2018:212_230). بسیاری از شرکت‌های فراملی برای افزایش اعتبار خود، اسناد مربوط به حقوق بین‌الملل بشر^۱ را به صورت داوطلبانه می‌پذیرند اما در مقابل بسیاری از اسناد مرتبط با مسئولیت اجتماعی، بسیار محتاطانه عمل کرده و الزامات حقوقی را نپذیرفته‌اند. در نتیجه، حقوق بشر به عنوان جزئی از مسئولیت اجتماعی در این شرکت‌ها دارای موضوعی اخلاقی است و نه حقوقی اما با این وجود، حقوق بین‌الملل در جهت رعایت حقوق بشر، نظارت‌ها و الزامات و حتی برخی ضمانت اجراها را در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر توسط شرکت‌ها شناسایی نموده که در برخی از آرای قضایی نیز موجود است. با وجود این الزامات، شرکت‌ها برای دستیابی به سود بیشتر، موازین حقوق بشری را زیر پا گذاشته و کشور میزبان در برخی موارد این امر را مورد چشم‌پوشی قرار می‌دهد (Baghban, 2015: 115). کرامت بشری ارزشی جهان‌شمول است، اما حقوق بشر ریشه در غرب دارد و مستلزم رژیم لیبرال برای به وجود آمدن است. حقوق بشر برابر و هم‌اندازه با کرامت بشری نیست، بلکه بیش‌تر به معنی کمال‌حمایت از کرامت بشری است (Zakerian, 2013: 53).

به نظر برخی مفسران جامعه اروپا، احترام به حقوق بنیادین یک تعهد است و در نتیجه نیازمند ابزارهای حقوقی برای ایفای این تعهد است. معاهده اتحادیه اروپا در برخی مواقع مبنای حقوقی

^۱. International Human Rights Document

خاصی را در زمینه رعایت حقوق بشر برای فعالیت‌های جامعه اروپا پیش‌بینی کرده است (Zamani and Rahmannasab, 2016:307). کمیسر حقوق بشر سازمان ملل متحد، این موضوع را بیان می‌کند که «تجارت به حقوق بشر و حقوق بشر به تجارت وابسته است. تجارت نمی‌تواند در شرایطی که حقوق بشر مورد توجه نبوده و رعایت نمی‌شود توسعه یابد. از سوی دیگر شرکت‌های چندملیتی که به الزامات حقوق بشر توجهی ندارند، باعث تخریب ذهنیت افکار عمومی می‌شوند، و حتی ممکن است با پیامد تحریم و در نتیجه کاهش فروش مواجه شوند. بنابراین شرکت‌های فراملی در تلاش هستند که با نشان دادن چهره مثبت و قابل اعتماد از خود، به افزایش فروش و سود دست می‌یابند» (Aghahoseini, 1986: 2).

تعهدات حقوق بشری بر اساس سیستم حقوق بشر سنتی معمولاً به دولت‌ها منتسب می‌شوند، اما موضوع معاهده پیشنهادی سازمان ملل در مورد حقوق بشر شرکت‌های فراملی نشان از تعهدات جدید حقوق بشری در خصوص شرکت‌های فراملی دارد. دلیل حمایت موافقان این معاهده، ضعیف و ناکافی بودن نظام موجود جهانی حقوق بشر در موضوع شرکت‌های فراملی است که نیاز به بررسی دارد (Kirkeb and Langford, 2018: 157-186). تعهدات حقوق بشری صریحی برعهده دولت‌ها وجود دارد مبنی بر اینکه در قلمرو خود محدودیت‌هایی را وضع کنند که الزامات حقوق بشر نقض نشود (Ssenyonjo, 2007: 110-120). شرکت‌ها مسئول رعایت حقوق بشر هستند، اما دولت‌ها تعهد به انجام این اصول دارند. بنابراین دولت‌ها تعهد کامل و شرکت‌ها تعهد ناکامل به صیانت از حقوق بشر دارند یعنی شرکت‌ها مسئولیت‌دارند تا حقوق بشر را در چارچوب فعالیت‌های خود رعایت کنند (Werhane, 2017:5,20). در برخی موارد با هدف جلوگیری از اعمال متقلبانه و منع سوءاستفاده از حق و اجرای عدالت رجوع به شرکت اصلی یا سهامداران، چه در صلاحیت و چه در مسئولیت انجام می‌شود (Ian and David, 2001: 257).

پس به طور کلی، دلایل عدم تضمین حقوق بشر در برابر شرکت‌های فراملی در سطح بین‌المللی به ویژه در حقوق بشر عمدتاً ناشی از دو عامل است: نخست اینکه از جنبه تاریخی کارکرد اصلی حقوق بشر بین‌الملل، محدود کردن قدرت دولت و نه شرکت‌های فراملی در برابر افراد است و این دولت است که متعهد به تضمین حقوق است. حقوق بشر بین‌الملل، دولت‌ها را به طور غیر مستقیم مسئول نقض حقوق بشر از سوی شرکت‌های فراملی می‌شناسد. دوم اینکه حقوق حاکم بر فعالیت‌های شرکت‌های خصوصی از جمله شرکت‌های فراملی مشمول قانون داخلی کشور میزبان این شرکت‌ها می‌باشد (Losin Zahadi, 2006: 1).

¹ United Nations High Commissioner for Human Rights

² UNHRC Res A/HRC/26/L.22/Rev.1 elaboration legally binding instrument on transnational

³ Responsibility

۴-۲- نظام حل و فصل اختلافات حقوقی در پرتو حاکمیت قانون

حل و فصل اختلافات در حوزه حقوق بین‌الملل دارای دو اصل می‌باشد: نخست حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و دیگری، رضایی بودن حل و فصل اختلافات است. بنابراین در دعاوی تجاری و بازرگانی و سرمایه‌گذاری، دولت‌ها از مصونیت برخوردار نیستند و با تعیین مرجع حل اختلاف، فقط رضایت به صلاحیت مرجع مذکور احراز می‌شود. برای سرمایه‌گذاری خارجی در حقوق بین‌الملل، اصل اجباری بودن حل و فصل اختلافات^۱ اعمال می‌شود. این شرکت‌ها بدون پشت سر گذاشتن مفهوم تابعان، به بالاترین حقوق یعنی طرح دعاوی بین‌الملل و تحمیل مسئولیت بین‌المللی^۲ به تابعان حقوق بین‌الملل، یعنی دولت‌ها^۳ دست یافتند (Khalkhali, 2016: 45).

یکی از متقن‌ترین استدلال‌ها برای انتساب تعهدات حقوق بشری به شرکت‌های فراملی، آن است که این شرکت‌ها همانند دولت‌ها کنشگران سیاسی^۴ هستند. شرکت‌های فراملی به نحو موثری به عنوان نهادهای شبه دولتی عمل کرده، بنابراین در موقعیتی هستند که می‌توان از آنها به عنوان نهاد اولیه عدالت^۵ یاد کرد (Florian, 2012: 156,183). ایده حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها و شرکت‌های فراملی با تلاش بانک جهانی منجر به تأسیس مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری^۶ شد، به نحوی که اتباع طرف معاهدات حامی سرمایه‌گذاری خارجی، صلاحیت یافتند که نسبت به دولت میزبان طرح دعوا کنند بدون اینکه صریحاً در قرارداد سرمایه‌گذاری شرطی در این مورد درج شده باشد (Florian, 2012: 156,183).

مخاطب مستقیم طرف تعهد قانون اساسی کشور میزبان، سرمایه‌گذاران خارجی هستند که قوانین سرمایه‌گذاری ملی کشورهای در حال توسعه را تشکیل می‌دهند. رفتار خاصی در این قوانین برای آنها پیش‌بینی شده است مشروط بر آنکه سرمایه‌گذاری از نظر دولت پذیرفته شده باشد. انگیزه‌های مختلفی در سرمایه‌گذاری وجود دارند مانند معافیت‌های مالیاتی و تثبیت قوانین مالیات، حق بازگرداندن سرمایه به کشور، کاهش عوارض گمرکی و اشتغال به کار در زمان انجام سرمایه‌گذاری و تعهد کلی ارجاع به داوری می‌باشد. یکی از این شروط، «انتحار» برای تشویق سرمایه‌گذار از سلب مالکیت تصنعی است که بر اساس این شرط سرمایه‌گذار می‌تواند در مواردی که شرایط موجود در کشور میزبان مورد رضایت او نباشد، شرکت در برابر غرامت مناسب، ملی

¹. The Principle of Mandatory Dispute Resolution

². Imposition of International

³. Governments

⁴. Political Actors

⁵. Primary agent of Justice

⁶. ICSID

اعلام گردد (Floren, 2019: 306). در حقوق بین‌الملل، هیچ تعهدی برای دولت مبدأ نسبت به اعمال صلاحیت فراسرزمینی برای شرکت‌های فراملی که در خارج از آن سرزمین، حقوق بشر را نقض نموده وجود ندارد (Joseph, 1999: 181).

لازم به ذکر است که شرکت‌های فراملی مسئول جبران خسارات ناشی از عملکرد کارکنان و شرکت‌های زیرمجموعه خود می‌باشند (Mongelard, 2006: 677). همچنین شرکت مادر در رابطه با مسئولیت شرکت فرعی، نسبت به محیط و محصولات خود در مقابل طلبکاران، مسئولیت مستقیم دارد (Prokopieva, 2003: 40). این شرکت‌ها موضوع قانونگذاری مستقیم می‌باشند و «کمسیون اروپایی»^۱ می‌تواند برای نقض قواعد رقابت، آنها را مشمول ضمانت اجرای اداری در نظر گیرد (Korah, 2000: 162-163). از سوی دیگر، مقررات بازرسی زیست محیطی وجود دارد که مستلزم ارزیابی منظم برای اجرای چنین سیستمی و نیز تأمین اطلاعات جهت اجرای آن برای عموم می‌باشد (Gatto, 2011: 147).

نتیجه‌گیری

جهان پیش روی ما، وابسته به مقررات حاکم بر شرکت‌های فراملی است و در این میان یک نظم حقوقی در حال شکل گرفتن است. حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی، که سازمان تجارت جهانی نماینده آن است و حقوق بین‌الملل عام که سازمان ملل متحد عهده دار آن می‌باشد. تصمیمات و عملکرد این دو نهاد بر هنجارهای بین‌المللی متکی هستند و چالش میان این دو نظم حقوقی، آخرین تلاش فنون بین‌الملل مبتنی بر همکاری متقابل است. باید توجه داشت که میزان جذب تسهیلات خارجی در بازارهای مالی جهان، از دلایل سطح استحکام اقتصادی و حقوقی کشور میزبان تلقی می‌گردد و استفاده از آن، نشانگر ضعف اقتصادی نخواهد بود. شرکت‌های فراملی غایت حقوق بین‌الملل هستند و پذیرش آنها به عنوان تابعان حقوق بین‌الملل علاوه بر تغییر مفهوم تابع حقوق بین‌الملل، حتی مفهوم حقوق بین‌الملل را دچار تغییر می‌کند.

با نگاهی به تجربیات کشورهایی که با سایر کشورها توافق اقتصادی داشتند، می‌توان دریافت که سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهدافی عالی تر مورد توجه می‌باشد. کارکرد اصل سرمایه‌گذاری خارجی در این کشورها، بسترسازی برای رشد بخش خصوصی و بین‌المللی کردن شرکت‌های داخلی نیز بوده است. همچنین فعالیت این شرکت‌ها سبب گسترش روابط بین‌المللی کشورهای جهان شده و در این راستا الزامات بین‌المللی حقوق بشری تعیین شده است که اکثراً اصول اخلاقی می‌باشند، در عین حال ممکن است عدم رعایت این اصول، موجب

¹. European Commission

اجرای ضمانت اجراهای جدی‌تری (مانند تحریم توسط مصرف‌کنندگان یا دیگر کشورها) در سطح جهان شود.

شرکت‌های فراملی از ثروت و توانمندی‌های جهانی برخوردار هستند که نیازمند ایجاد نظم حقوقی در سطح بین‌المللی و کنترل و هدایت می‌باشند. برخی از شرکت‌ها خود و صناعی که به آن اشتغال دارند را در معرض آسیب‌های جدی به حقوق بشر، استانداردهای کار، محیط زیست و سایر موضوعات اجتماعی قرار داده‌اند در نتیجه نیازمند بررسی و پژوهش و یافتن راه‌حلی در این حوزه می‌باشیم. بر اساس این آمار و ارقام چنین به نظر می‌رسد که همراه نشدن با تحولات اقتصادی دنیا و نپیوستن به شرکت‌های فراملی می‌تواند در بلندمدت، امکان رقابت را از صنایع کشورها گرفته و شرکت‌های داخلی را از تفکر و الگوی جهانی اندیشیدن و عمل کردن بازدارد. در این میان توجه به مقوله بین‌المللی شدن و روش‌های دستیابی به آن می‌تواند راهگشای این شرکت‌ها باشد.

طبق بررسی نظرات متعارض به این نتیجه می‌رسیم که فرضیه پژوهش تا حدودی تایید گردید زیرا برخلاف نظریات گروهی دیگر از متفکران و نظریه‌پردازان که این شرکت‌ها را ابزاری برای افول کشورهای در حال توسعه می‌دانند، در عمل شاهد هستیم که برای سهم بودن در بازار جهانی باید هرچه سریعتر اقدام نمود. سرمایه‌گذاری خارجی از مدت‌ها قبل یکی از موضوعات قابل توجه در اقتصاد بین‌الملل بوده و در سال‌های اخیر که میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به سرعت افزایش یافته، این مسئله بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. دلایل متعددی در وری توجه روزافزون به شرکت‌های فراملی وجود دارد. این شرکت‌ها در کشور‌های متعددی فعالیت دارند و هدف آنها کسب بیشترین سود در همه واحدهای اجرایی تحت فعالیت می‌باشد.

References

1. Agha Hosseini, A. (2016). The need to respect Human Rights by Multinational corporations. *International Law Quarterly*. 9-10. **(In Persian)**
2. Akhavi, A. (1994). Real exchange rate indicators. *Journal of Business Reviews*. (84).51. **(In Persian)**
3. Ansari, H. (2016). Thesis The role of transnational corporations in shaping international trade law. *Islamic Azad University Tehran Branch*. **(In Persian)**
4. Axtaun, R. (1996). Liberal Democracy into Twenty-First Century. *Manchester university press*.
5. Baghban, R. (2015). *International Trade Law Liability of Multinational Companies*.

- First Edition. Majd Publications. **(In Persian)**
6. Beck, U. (2000). What is Globalization? Translated by Patrick Camiller, United Kingdom and United States of America, *Polity Press*.
 7. Behkish, M. (2016). *Iran's economy in the context of globalization. sixth edition*. Ney Publishing. **(In Persian)**
 8. Blumberg, P. (2002). "Asserting Human Rights Against Multinational Corporations Under United States Law: Conceptual and Procedural Problems". Faculty Articles and Papers. At: https://opencommons.uconn.edu/law_papers/387
 9. Corporations under United States Law. (2002). Conceptual and Procedural Problems". *50 American Journal of Comparative Law –Supplement*.
 10. Dordari, N. (1996). *Japanese Management*. Tehran. Rasa. Third Edition. **(In Persian)**
 11. Espinoza, S. (2014). Should International Human Rights Law Be Extended to Apply to Multinational Corporations And Othrt Business Entities. *University College London (UCL) Department of Political Science*.
 12. Leone, C. (1993). The psychology of attitudes. A.H. Eagly & S. Chaiken. Fort Worth. TX: Harcourt. Brace & Janovich. University of North Florida. pp794.
 13. Franck. T. (1995). Fairness in International Law and Institutions. *Oxford. Clarendon Press*.
 14. Gatto, A. (2011). *Multinational Enterprises and Human Rights: Obligations under EU Law and International Law*. Cheltenham. Edward Elgar.
 15. Ghasemi, S. (2004). Methods of financing and foreign investment of the project. *Investment and Economic and Technical Assistance Organization of Iran. 1_2. (In Persian)*
 16. Hagen, E. (1986). *The economics of Development*. Islam Abad: Book Foundation.
 17. Hatami, A., Karimian. I. (2015). *Investment Law in the Light of Law and Investment Contracts*. Tisa Publishing Second Edition. 18. **(In Persian)**
 18. Hejazi, M. (2012). *Government support for shareholders' legal entities and their partners against foreign aggression*. Mizan Publishing. 18. **(In Persian)**
 19. Held, D. (2003). Taming Globalization: Frontiers of Governance Mathias Koenig-Archibugi (Editors). United Kingdom and United States of America. *Polity Press in association with Blackwell Publishers*.
 20. Jackson, R., Sorensen. G. (2015). *Introduction to International Relations: Theories*

- and Approaches*. Translated by Zakerian, M., Khyaban, H.S., Taghizadeh, A., Tehran: Mizan Press.
21. Jose, G., Sison. A. (2018). Virtue Ethics and NATURAL Law Responses to Human Rights Quandaries in Business. *Business and Human Rights Journal*. (3).
 22. Joseph, S. (1999). Taming the Leviathans: Multinational Enterprises and Human Rights. *46 Netherlands International Law Review*.
 23. Kamminga, M., Zarifi. Z. (2000). Saman. Liability of Multinational Corporations Under International Law: *An Introduction Kluwer Law International*. (7). **(In Persian)**
 24. Kaviani, K., Ghasemi Moghadam, S. (2017). *Liability of the parent company against the debts of bankrupt subsidiaries*. Private Law Research. (27_50). **(In Persian)**
 25. Khalkhali, M.H. (2016). *Collection of applied documents for international freight transport*. Majd Publications. first edition. **(In Persian)**
 26. Kirkeb, T., Langford, M. (2018). The Commitment Curve: Global Regulation of Business and Human Rights. *Business and Human Rights Journal*, (3)2.
 27. Korah, V. (2000). An Introductory Guide to EC Competition Law and Practices. *Oxford and Portland. Hart*.
 28. Larison, T., Skidmore, D. (1993), Fortworth. *International political Economy*. Harcourt Brace.
 29. Law of the Sixth Five-Year Plan for Economic Social and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran.
 30. Losin, Z. (2006). Reflections on the human rights obligations of transnational corporations and international human rights. *International Studies Journal (ISJ)*, (12)1. **(In Persian)**
 31. Mason, H. (1995). *Modern Organization Theory Hardcover*. USA. New York: Willy & Sons.
 32. Mirzakhani, R. (2015), Jurisprudential study of stock-based Murabaha bonds for financing holding companies. *Report of the Research and Development Center for Islamic Studies. Stock Exchange and Securities Organization*. **(In Persian)**
 33. Moein, M. (2006). *Pocket Persian Culture. Collected by Azizalah Alizadeh*. Tehran: The Way to Growth. Third Edition. **(In Persian)**
 34. Mongelard, E. (2006). Corporate civil liability for violations of international humanitarian law. *International Review of The Red Cross*, (88).

35. Najarnahavandi, M. (1994). Borrowing and Development. *Political-Economic Information Quarterly*, 18. **(In Presian)**
36. Baran, P. (1980). *The Political Economy of Growth*. 1st Edition, 292-256.
37. Prokopieva, V. (2003-2004). Parent Company Liability in Case of Subsidiary Insolvency -Time to Rethink Liability of Corporate Shareholders?. Supervisor: Prof. Dr. iur. Peter Behrens, College of Europe, *Bruges Campus. Law Department. for the Degree of Master of European Studies. European Company Law Academic*.
38. Rezaei, A. (2017). Parent company liability to subsidiary. *Comparative Law Studies*. 15_17. **(In Presian)**
39. Riedel, E., Martin. V. (1999). Human Rights Clauses in External Agreements of the EC in P. Alston et al (eds). *the EU and Human rights. Oxford University Press*.
40. Rodriguez, C. (2001). *International Management*. Sadat Zahedi. S. Danaeifar. T., Tehran. Saffar and Ishraqi. First Edition. 52.
41. Sadeghi. H., Naser. M., Zarie. H. (2019). Challenges of FineTech Lending: Policies and Solutions The World Bank. the International Monetary Fund and the EU legal system. *International Studies Journal*. (3)(63).1. **(In Presian)**
42. Salehi Mazandarani. M. Zakerinia. H. (2013). *Legal Personality of Multinational Companies and Its Effects*. (1)(97). 145_155. **(In Presian)**
43. Senyonjo. M., (2007). Non-State Actors and Economic. *Social and Cultural Rights Economic Social and Cultural Rights in Action. Oxford: OUP*.
44. Shirjian. J., Zargar. A., Keyhanlou. F., Mahmoody. A. (2020). The English School and the Position of international law in the international Society. *International Studies Journal (ISJ)*, (17)4. **(In Presian)**
45. Weissbrodt, D., Kruger. M. (2003). Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with Regard to Human Rights. *American Journal of International Law*. (97).
46. Werhane, P. (2017). Corporate Moral Agency and the Responsibility to Respect Human Rights in the UN Guiding Principles: Do Corporations Have Moral Rights. *Business and Human Rights Journal*, (2).
47. Wettstein, F. (2011). Corporate Responsibility in the Collective Age: Toward a Conception of collaborative Responsibility. *Business and Society Review*, 117(2).
48. Zakerian, M. (2013). *All Human Rights for All*. Tehran: Mizan. **(In Presian)**

49. Zamani, Q. (2019). *International Economic Law*. Shahr-e-Danesh Publishing, Ninth Edition. **(In Presian)**
50. Zehi, N., Alipour, A., et.al. (2007). *Investment and Methods of Financing Foreign Financing. 1st Edition. (In Presian)*